

موسیقی مساله ساز

گوران ماریانوویچ

گوران ماریانوویچ یکی از چهره‌های آشنای فیلم در کشور سوئد است. از کودکی به مدرسه‌ی تئاتر رفته و در رشته بازیگری و تاریخ تئاتر تحصیل کرده است. بعد از گرفتن دیپلم، در تئاتر "دراماتن" به اجرای نمایشات گوناگون پرداخته و در چندین سریال تلویزیونی و فیلم سینمایی هم نقش داشته است. گوران با فیلم "سی‌ام نوامبر"، که هم زمان با اوج آشکار گرایشات راسیستی در سوئد علیه راسیسم ساخته شد، شهرت بیشتری یافت. گوران "سی‌ام نوامبر" را در سن هفده سالگی بازی کرده بود و امروز ۲۲ سال دارد.

علاوه بر تئاتر و سینما، گوران به موسیقی و نوشتن کتاب هم علاقمند است. کتاب سرگذشت زندگی‌اش که سه نسل مهاجر را ترسیم می‌کند، به زودی منتشر می‌شود. گوران کتابش را برای استفاده در اختیار "داروگ" قرار می‌دهد و هم چنین مایل است، که در قسمت نقد و معرفی فیلم با ما همکاری کند. وی هم اکنون مشغول بازی در فیلمی است، که به خاطر آن سفری هم به هالیوود داشته است. قبل از این که به نظراتش در مورد "موسیقی رپ" برسیم، خالی از لطف نیست که نظرش درباره‌ی هالیوود را بخوانیم.

* * *

میان هالیوودی که من دیدم با آنچه که تبلیغ می‌شود و در تلویزیون و فیلم نمایش داده می‌شود، تفاوت از زمین تا آسمان است. من آنجا چهره‌ی زشت فحشا، مواد مخدر، زد و بند و به ابتدال کشیدن هنر پشت ماسک بزک کرده‌ی سریال‌های تیپ دالاس و... را به چشم دیدم. برای هنرپیشه شدن، و باقی ماندن، از خوان‌های بی شماری باید گذشت که حتی اگر زیر پا گذاشتن پرنسپ‌ها را در بر نداشته باشد، تلاش بسیار زیادی می‌خواهد.

* * *

در مورد موسیقی "رپ"، باید بگویم که من طرفدار آن نیستم. ولی از آنجا که به موسیقی علاقه مندم، اطلاعاتی هم در مورد "رپ" دارم. به عقیده‌ی من، "رپ" یک موسیقی "مساله ساز" یا اصطلاحاً "پروپلم" موسیقی است. چرا که بیشتر به مشکلات اشاره می‌کند. راحت تر است که آدم داد بزند، عوض این که واقعا آواز بخواند. "رپ" موسیقی عصبانیت

و پرخاش‌گری است. اکثر نوشته‌های این موسیقی و همین‌طور "ساول" عصبی‌اند. در "رپ"، تصویر پوزیتیو یا مثبتی هرگز مجسم نمی‌شود. البته این عقیده من است، من هر وقت به "رپ" گوش کرده‌ام، جز مسایل منفی چیزی دستگیرم نشده است.

البته بعضی از خوانندگان "رپ"، آهنگ‌های قدیمی را انتخاب می‌کنند و روی آن‌ها کار می‌کنند و به صورت "رپ" در می‌آوردند. مثلاً یکی از کارهای "ستیو واندر" به نام "گانگستر پارادیس" را اخیراً خوانده‌اند. من فکر نمی‌کنم، که موسیقی "رپ" طرز بیان جوانان معاصر باشد. البته هست، اما طرز بیان آن دسته از جوانانی که به آن گوش می‌دهند. به همین دلیل هم هست که طرز لباس، آرایش، و حتی حرف زدن و حرکات اجتماعی این جوانان بر اساس موسیقی "رپ" تغییر می‌کند. البته این بستگی به استحکام شخصیت هر کسی دارد، ممکن است جوانی "رپ" گوش کند، ولی به آن شدت تحت تاثیر قرار نگیرد.

من فکر می‌کنم طرفداران "رپ" بندرت به موسیقی خوبی، که موزیکال باشد، گوش می‌کنند. تاثیرات این موسیقی بستگی به موقعیت اجتماعی افراد دارد. در کجای جامعه قرار دارند؟ به چه کاری مشغولند؟ اهداف شان چیست؟ همه می‌دانیم، که "رپ" موسیقی سیاهان بی‌خانه و اصطلاحاً خیابان‌گرد است. واضح است، که این جوانان مشکلات زیادی دارند و آنچه می‌خوانند از زندگی پر درد و نازیبای شان حکایت می‌کند. این قابل فهم است، اما تبدیل "رپ" به موسیقی "الترناتیو" هضم کردنی نیست.

به نظر من، با گوش کردن به موسیقی، انسان باید احساس درد و شادی توانایی داشته باشد. انسان در موسیقی زندگی می‌کند، چرا که موسیقی فریاد موزون انسانی است. "اپرا" را در نظر بگیریم. اولین بار که بشر از حالت گوش کردن صرف به آهنگ‌های موجود طبیعت در آمد و کلام آهنگینی را به وجود آورد، "اپرا" خلق شد. به همین دلیل، من موسیقی قدیم و یا کلاسیک را بیشتر دوست دارم. برای این که با احساس‌تر است. هنوز هم "اپرا" بزرگ‌ترین بخش موسیقی دنیاست. در این تقسیم‌بندی، "رپ" کوچک‌ترین است. ریپست‌ها موزیکالیست نیستند، هیچ کدام از آن‌ها موزیسین نیستند یا اگر هم باشند، مقلدند. شما حتی یک پیانیست، گیتاریست یا ترومپتیست بزرگ در گروه‌های "رپ" سراغ نمی‌کنید. موسیقی "بلوز" ستاره‌های خود را دارد، "جاز" هم همین‌طور و "اپرا" هم. اما "رپ" این‌طور نیست. نمی‌دانم شاید مخلوطی از موسیقی‌های مختلف "رپ" را به رده‌ی موسیقی برساند. در دنیای کنونی هیچ چیز غیر ممکن نیست.

